

مگو بگوی معلم‌ها صفحه‌ای است برای طرح مسائل و مشکلات و پیشنهادهای معلمان عزیز. ممکن است همکاران گرامی، و به‌خصوص مدیران ارشد آموزش و پرورش، جواب‌هایی به این مگو بگوها داشته باشند. این صفحه می‌تواند با انتشار پاسخ‌هایی که از همکاران عزیز می‌رسد، به صفحه‌ای پر بارتر تبدیل شود. پس درخواست داریم با طرح مشکلات حرفه‌ای خود، مجال گفت‌وگو با دیگر همکاران را نیز فراهم کنید. نکته: طرح این مسائل فقط انجام رسالت ماه‌نامه در انتشار نظرات معلمان و همکاران عزیز است و به معنای تأیید محتوای نوشته‌ها نیست.



# حرف‌های مگو، بگوی معلم‌ها

## معایب ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی توصیفی نسبت به ارزش‌های تحصیلی دانش‌آموزان دیدگاه کامل‌تری دارد و روش‌های فعال تدریس، به‌عنوان پیش‌شرط تحقق آن مطرح است. در ارزشیابی توصیفی، به جنبه‌های مهارت ذهنی و ابعاد اجتماعی، عاطفی و روانی دانش‌آموزان توجه شده که در نظام ارزشیابی سنتی، مورد بی‌مهری و فراموشی قرار گرفته است. همچنین، با توجه به ابعاد متفاوت شخصیت دانش‌آموزان و وجود فرایندهای عالی ذهنی و تفکر انتقادی و خلاق در آن‌ها، نمی‌توان با آزمون مدام کاغذی، که تنها ابزار ارزشیابی سنتی هستند، به سنجش و ارزیابی آن‌ها پرداخت. اما این نوع ارزشیابی معایبی دارد که به شرح زیرند:

۱. استفاده از این نوع ارزشیابی متناسب کلاس‌های پر تراکم نیست و این در حالی است که در اکثر مدارس شهری و بعضی از مدارس روستایی، تعداد دانش‌آموزان کلاس‌ها زیاد است.
۲. آموزش ناکافی معلمان برای اجرای درست این طرح در مدارس، باعث شده است آنان استقبال لازم را از این ارزشیابی نکنند.
۳. توجیه نشدن والدین در خصوص همکاری لازم با مدرسه، از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که معلمان با آن مواجه‌اند.
۴. تناسب نداشتن برنامه‌های درسی با نحوه استفاده از ابزارهای ارزشیابی توصیفی، باعث پایین آمدن کیفیت ارزشیابی شده است.
۵. زمینه‌ای برای دانش‌آموزان کم‌کار و بستری برای شانه خالی کردن از انجام تکالیف برای این دسته فراهم شده است.
۶. از آنجا که انجام این طرح مستلزم داشتن وقت زیاد است، به‌نظر می‌رسد تراکم دانش‌آموزان به‌طور مستقیم بر روی کار و فعالیت معلمان تأثیر منفی دارد و چنانچه به این موضوع توجه نشود، معلم هر چند علاقه‌مند است، به خاطر عقب نماندن از بودجه‌بندی، مجبور است به شیوه‌های دیگر ارزشیابی دست بزند.

## چرا نگاره‌ها را حذف کنیم؟

۷. نداشتن اهرم‌های لازم برای ایجاد رقابت بین فردی باعث شده است انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموزان به حداقل برسد. همین موضوع سبب شده است اکثر دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی شوند و با سواد علمی کم وارد دوره‌ها یا پایه‌های بالاتر شوند.
۸. اجرای ارزشیابی توصیفی تنها در پایه‌ی ششم دبستان، کارایی لازم را ندارد، به این دلیل که دانش‌آموزان در پایه‌ی هفتم با ارزشیابی کمی مواجه می‌شوند.
۹. نداشتن اهرم‌های لازم برای ایجاد رقابت بین فردی باعث شده است انگیزه‌ی یادگیری دانش‌آموزان به حداقل برسد. همین موضوع سبب شده است اکثر دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی شوند و با سواد علمی کم وارد دوره‌ها یا پایه‌های بالاتر شوند.
۱۰. اجرای ارزشیابی توصیفی تنها در پایه‌ی ششم دبستان، کارایی لازم را ندارد، به این دلیل که دانش‌آموزان در پایه‌ی هفتم با ارزشیابی کمی مواجه می‌شوند.

و پرورشی نهفته در آن‌ها از طریق تلویزیون، گوشی، تبلت و دیگر ابزارهای آموزش غیررسمی دست یافته.

۲. به شیوه‌ی غیررسمی و طبیعی تقویت انشاء نیز شده چرا که منظور از تقویت انشاء به کمک نگاره و تصویر، همین جمع‌آوری اطلاعات است نه آموختن نوشتن.

البته، اگر نگاره‌ها نقش مورد انتظار در انشا می‌داشتند شاهد واقعیت ناخوشایند زیر نمی‌بودیم.

تعداد پاس‌وادی که نمی‌توانند بنویسند < تعداد پاس‌وادی که می‌توانند بنویسند

۳. این رابطه پیام می‌دهد که کتاب فارسی اول ابتدایی را به نوشتن و خواندن اختصاص دهیم و از تعداد ببین و بگوی آن بکاهیم در غیر این صورت؛ کما کان فرع و حاشیه را بر اصل ترجیح داده‌ایم!
- بلی، انفجار اطلاعات و دهکده‌ی جهانی قبل از بخش ۱ کتاب کودکان را آماده‌ی آموزش فارسی کرده‌اند! مؤید این گفته‌ها و حذف نگاره‌ها، نظریه‌ی «Deschooling society» است. ایوان ایلچ اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ نظر داد که آموزش خارج مدرسه‌ای واقعی و دلخواهی است اما، کتاب درسی و تصاویر آن تحمیلی.
۴. معلم می‌تواند بدون نگاره‌ها و در جریان الفباآموزی هم اختلالات زبانی را رفع نماید و مطالب دینی، حفاظتی و غیره را عینی و عملی سازد. دانش‌آموزان را به تفکر و تقویت حواس وا دارد و با مسجد و کتابخانه و روستا آشنا سازد.

مطلب خانم زهرا زمانیان را می‌توانید در لینک زیر ببابید:

عذرا قدبیگی  
آموزگار دبستان  
شهید بختیاری شازند،  
کارشناسی ارشد

حسین محمدیان  
آموزگار - سر دشت

<http://www.roshdmag.ir/fa/article/14339>

## ملاحظات بر ثبت عملکرد دانش آموزان ابتدایی

هر ساله در آغازین روزهای فصل پاییز و شروع سال تحصیلی جدید، شوقی عظیم و خونی تازه در رگ‌های آموزش و پرورش می‌دود. بر متولیان آموزش و پرورش است که از این نیروی عظیم و شور و نشاط حاکم بر فضای مدارس سود ببرند و با رویی گشاده معلمان و دانش‌آموزان را به انجام فعالیت‌های بهتر، پویاتر و کارا تر تشویق و ترغیب کنند. اگر چه در بسیاری از موارد تغییر سبک و ساختار آموزش و ارزشیابی و ... به پویایی علم‌آموزی کودکان سرزمینمان کمک کرده است، اما گاهی هم با کم‌لطفی‌ها و کج‌سلیقگی‌هایی مواجه بوده‌ایم.

### ابلاغ طرح جدید برای نحوه ثبت عملکرد دانش آموزان

در شروع سال تحصیلی ۹۶-۹۵ طرحی به مدارس ابلاغ شد که در راستای همان طرح، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی و کاربری پوشه‌ی کار دانش‌آموزان دچار تغییر و دگرگونی شد. اگر چه این تغییرات از لحاظ تئوری بسیار مثبت و سازنده به نظر می‌رسند و نشان‌دهنده‌ی حساسیت و بهبودطلبی مدیران آموزش و پرورش هستند، اما به‌عنوان فردی دلسوز، و به پشتوانه‌ی وجدان کاری و تجربه‌ی ناچیزم و به مصداق ضرب‌المثل تجربه بالاتر از علم است، لازم دیدم مواردی را مطرح کنم.

### دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی؛ نقاط ضعف و قوت

در سال‌های گذشته، دفتر ثبت فعالیت‌های کلاسی کاستی‌هایی داشت و هنوز هم دارد. برای مثال، معلم علاوه بر بخشی که باید بتواند در آن توصیف خود را از عملکرد و ویژگی‌های دانش‌آموزان ارائه دهد و هم‌اکنون در دفاتر کلاسی وجود دارد، باید بخشی در اختیار داشته باشد که بتواند ارزیابی‌های مستمر را در آن ثبت کند. چیزی شبیه دفتر نمره‌های قدیمی که هر معلم بنا به ضرورت کلاس خود و موارد مورد نیاز، آن را بخش‌بندی می‌کرد و نتایج کار دانش‌آموزانش را در آن ثبت می‌کرد. به نظر من، در درس‌های به اصطلاح خواندنی، برای مثال درسی مانند مطالعات، که اهداف هر درس مشخص است، با برگزاری آزمون‌های درس به درس و ثبت امتیاز برای هر درس می‌توان به جمع‌بندی برای هر دانش‌آموز یا حتی کل کلاس رسید، بدون اینکه نیازی به نوشتن اهداف با تفکیک وجود داشته باشد. دانش‌آموزی که به ۹۰ درصد سؤالات پاسخ داده است، احتمالاً به حدود ۹۰ درصد از اهداف آموزشی دست یافته است.

ضمن اینکه راندمان کار کلاس در آن درس خاص، پیشرفت افقی که همان پیشرفت به مرور زمان است و نحوه‌ی عملکرد آموزگار، به‌راحتی از این جداول قابل استخراج است؛ بدون اینکه به کاغذ بازی و صرف وقت و هزینه‌ی اضافی نیاز باشد. همچنین، جمع‌بندی عملکرد هر دانش‌آموز و کل دانش‌آموزان در این روش آسان‌تر است. مثلاً وقتی دانش‌آموز از فصل ۱ امتیاز ۷۵ درصد، از فصل ۲ امتیاز ۸۰ درصد، از فصل ۳ امتیاز ۹۰ درصد از فصل ۴ امتیاز ۶۰ درصد کسب کند، رشد و پیشرفت تحصیلی او در فصل‌های ۱ تا ۳ معلوم است و افت ناگهانی در فصل ۴ باید بررسی شود. یا برای مثال، اگر تمام دانش‌آموزان در فصل ۴ افت داشته باشند، می‌توان از کتاب یا روش تدریس معلم یا زمان‌بندی نامناسب و غیره ایراد گرفت و برای رفع آن چاره‌اندیشی کرد.

## ثبت عملکرد برای درس ریاضی

در اینجا باید اضافه کنم، برای درسی مثل ریاضی، کما اینکه ما در گذشته از این روش بهره برده‌ایم، می‌توان با توجه به تعدد مباحث هر فصل، یک برگه‌ی چک‌لیست مجزا در نظر گرفت و در آن اهداف هر فصل را به تفکیک مشخص کرد. با برگزاری آزمون‌های پایانی فصل یا خرده آزمون‌هایی که در طول تدریس گرفته می‌شوند، به محض دستیابی هر دانش‌آموز به اهداف، برای او تیک زد. به این ترتیب، اشکالات هر فصل برای تک‌تک دانش‌آموزان و کل کلاس به خوبی قابل استخراج خواهد بود و مهم‌تر آنکه نتایج کل دانش‌آموزان در یک‌جا جمع می‌شود و می‌توان آن‌ها را بررسی و رفع اشکال کرد. وقتی برای مثال در مبحث مقایسه‌ی اعداد مثبت با منفی، بیش از نیمی از کلاس به سؤال‌ها پاسخ مناسب ندادند، معنای آن لزوم آموزش مجدد و تکرار و تمرین بیشتر است.

## کاربرد پوشه‌ی کار

دانش‌آموزان ما به هر حال باید پوشه‌ی کار داشته باشند، اما نه با صرف هزینه برای امور غیرمعارف و محض نمایش. در سال‌های گذشته هم دانش‌آموزان موظف بودند تمام آزمون‌ها و تحقیقات و نمونه کارهای خود را به ترتیب در پوشه قرار دهند. اولیا با یک نگاه اجمالی به پوشه‌ی کار که بیشتر فعالیت‌های فرزندشان را دربرداشت، به روند صعودی و نزولی نقاط ضعف و قوت او واقف می‌شدند. اگر هم نقصی در پوشه‌ی کار وجود داشت، با مراجعه به مدرسه و بررسی چک‌لیست معلم آشکار می‌شد. مثلاً وقتی دانش‌آموز در روز آزمون فصل ریاضی در مدرسه حضور داشته و متعاقباً در آزمون این فصل شرکت کرده است، ولی برگه‌ی آن را در پوشه ندارد، نقص کار هویدا می‌شود. در عین حال که نمره یا درصد ثبت شده در چک‌لیست معلم نمایانگر عملکرد اوست. این روش باعث می‌شود دانش‌آموز مجموعه‌ای کامل از آزمون‌های مختلف که تمام درس‌ها و فصل‌ها و مباحث کتاب را دربردارد - و نه گزینشی از آن‌ها - در اختیار داشته باشد و بتواند برای آزمون‌های جامع‌تر به آن‌ها استناد و حتی اشکالات خود را بررسی و رفع کند. ضمن اینکه می‌توان از دانش‌آموزان خواست در موارد متعدد به سراغ آزمون‌های خود بروند و سؤالاتی را که به آن‌ها پاسخ اشتباه داده‌اند، در دفتر تکلیف یادداشت و پاسخ درست آن‌ها را پیدا کنند. این روش بسیار مفیدتر از آن است که ما هر بار درگیر این حرف‌ها باشیم که این نمونه برای پوشه‌ی کار شما خوب است یا آن نمونه را از پوشه‌ها خارج کن، چون تاریخ مصرفش تمام شده است!

## نتیجه‌گیری

در پایان لازم می‌دانم یادآوری کنم، هر معلمی مدیر کلاس خود است. باید دست معلم را برای تدریس، ارزیابی، جمع‌بندی و روش کار، در چارچوب مقررات کلی، باز گذاشت. اجبار به استفاده از روش‌های وقت‌گیر و غیر کاربردی در کلاس‌های پرجمعیت و ناهمگون، چیزی جز نارضایتی و اجرای ناقص و نمایشی در پی نخواهد داشت. در ضمن، هدف اصلی همه‌ی ما باید یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزانمان باشد؛ حال با هر روش صحیح و وسیله‌ای که معلم از آن بهره برده است. همچنین، در اجرای هر طرحی باید امکانات مدارس، تراکم و وضعیت دانش‌آموزان و حجم و محتوای کتاب‌های درسی را در نظر بگیریم.

کلام آخر آنکه همه‌ی ما در تلاشیم به بهترین شیوه‌ای که می‌شناسیم، به غنی شدن فرایند آموزشی آینده‌سازان سرزمینمان کمک کنیم. اینجانب بر خود لازم می‌دانم، از بذل توجه مدیران عالی که با بررسی راه‌های متفاوت، انجام تحقیقات گسترده و ارسال شیوه‌نامه‌های گوناگون، سعی در بهبود روش‌های آموزشی دارند، تشکر کنم.